

اسلام و محیط زیست

دستورهای اسلامی درخصوص حفظ محیط زیست و مصونیت منابع زیستی از هرگونه آسیب در دوران جنگ‌های مسلحانه بخشی از حقوق بشر دوستانه اسلامی را تشکیل می‌دهد.



دستورهای اسلامی درخصوص حفظ محیط زیست و مصونیت منابع زیستی از هرگونه آسیب در دوران جنگ‌های مسلحانه بخشی از حقوق بشر دوستانه اسلامی را تشکیل می‌دهد.

درخصوص قطع درختان در معرکه نبرد آیه‌ای در قرآن وجود دارد که متأسفانه گاهی برداشت ناصحیح از آن می‌شود. آیه مزبور به شرح زیر است:

«وَمَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْتَةٍ أَوْ نَضِيبٍ مُؤْتَاةٍ فَلَا رَحْمَةَ لِلَّهِ عَلَيْهِمْ ذَلِكَ أَنْ قَطَعْتُمْ حُلُمَ أُيُوتٍ» (سوره حشر/5)، یعنی آنچه از درختان بریدید و آنچه به جای نهادید، همه به خواست خدا بود. برخی چنین می‌پندارند که این آیه قطع درختان از سرزمین مغلوب را مجاز شمرده است. این تفسیر ناشی از آن است که واژه لینه را اصل درخت معنی کرده‌اند، درحالی‌که به نظر می‌رسد، معنای لینه خرماهایی است که بر درختان قرار دارد. در این آیه استفاده از خرما می‌موجود بر درختان را برای تغذیه سربازان مجاز شمرده و به هیچ‌وجه قطع درختان که از مصادیق فساد در ارض است مجاز شمرده نشده است.

البته این نکته از مفاخر تعلیمات اسلامی به شمار می‌آید زیرا در تورات آمده است: پس الان برو و عمالیک را شکست بده و جمیع مایملک ایشان را نابود ساز و بر ایشان شفقت مفرما بلکه مرد و زن و طفل شیرخوار و گاو و گوسفند و شتر و الاغ را بکش (کتاب مقدس، صحیفه سموئیل نبی باب 15 ف آیه 3)

در بررسی شیوه‌ها و روش‌های عملی و اقدامات کاربردی، پیرامون حفاظت از محیط زیست دو موضوع مهم به‌عنوان پایه اقدامات قابل توجه است؛ یکی آموزش و دیگری قانون. آموزش به‌عنوان یکی از ارکان حفاظت از محیط زیست قابل طرح است. آموزش جامعه امکان فراهم آمدن شناخت محیط زیست و ریشه‌ها و علل تخریب آن به همراه علت لزوم حفاظت از آن و نیز برنامه‌ریزی در جهت این شناخت و حفاظت را تأمین می‌کند.

مهم‌ترین عناوین و سرفصل‌های آموزش عبارت است از بیان تقدس و نقش طبیعت و منابع طبیعی برای حال و آینده و در نهایت سعی در اصلاح و تعبیر و تفسیر و تلقی جامعه و مراکز تصمیم‌گیری نسبت به طبیعت به‌گونه‌ای که جملگی بر ارتباط صحیح با طبیعت و استفاده درست از آن همت گمارند و تنها عده یا سازمانی خاص را مسئول حفاظت از آن نیندارند. باید یکی از مهم‌ترین حقایق و واقعیت‌ها را براساس اصول و ارزش‌های مذکور در فرهنگ غنی اسلامی- ایرانی متمرکز کرد. البته، آموزش نیز باید برای گروه‌های مختلف سنی، جنسی، تحصیلی، قومی و شغلی به شیوه‌های مناسب انجام شود. برنامه آموزش باید آرمان‌ها و فرهنگ جامعه را مد نظر داشته باشد با ملحوظ داشتن راهبردهای اصلی، مجموعه‌ای از برنامه‌های کوتاه و میان و بلندمدت را در بر گیرد.

پس از آموزش، تمرکز بر تقنین به همراه پیش‌بینی ضمانت اجرایی آن نیز در حفاظت محیط زیست نقشی شایان توجه ایفا می‌کند منابع غنی حقوق اسلامی همراه با نهاد مقدس اجتهاد مستمر شیعی و فراخ‌نگری ناشی از دردآشنایی و تعهد در قبال حل مشکلات و حوادث واقعه می‌تواند چشم‌اندازی بسیار روشن را برای جامعه ما ترسیم کند.

پروتکل اول الحاقی 1977 به کنوانسیون‌های ژنو در مواد 48 و 35 و 55 استفاده از روش‌ها و ابزارهای جنگی که مخرب محیط زیست باشد یا امکان آن را داشته باشد، ممنوع دانسته است ولی متأسفانه تاکنون به علت عدم ضمانت اجرا نتوانسته نقش بازدارندگی داشته باشد.

ماده 55:

1- در هنگام جنگ باید مراقبت شود که از محیط زیست طبیعی در برابر آسیب‌های گسترده، دراز مدت و شدید، حفاظت به عمل آید. این حفاظت شامل ممنوعیت استفاده از روش‌ها و وسایل جنگی می‌شود که منظور از آن وارد آوردن چنین آسیبی به محیط زیست طبیعی بوده، یا احتمال وارد آمدن چنین آسیبی می‌رود، و در نتیجه به سلامتی یا بقای سکنه لطمه بزند.

2- حمله به محیط زیست طبیعی به‌عنوان اقدام تلافی جویانه ممنوع است.

نگارنده به هیچ وجه مدافع عملکرد افرادی به نام اسلام و مسلمان چه در گذشته و چه حال نیست و به این حقیقت که در عمل تخلفات زیادی صورت گرفته اذعان دارد. آنچه نگارنده از آن سخن می‌گوید اسلام است و باید متذکر شوم که مقصودم از اسلام یک دین است که دارای یک نظام حقوقی و جهان بینی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی است، نه جهان اسلام؛ همانطور که مسیحیت هم غیر از جهان مسیحی است. در انگلیسی دو واژه وجود دارد که دارای بار مفهومی مجزایی از یکدیگر است؛ یکی christianity و دیگری christiandom که اولی به معنای دین مسیحیت است و دومی به معنای جهان مسیحی است.

شاید بتوان برای همتایی پیشنهاد کرد که ما هم برای اسلام در فارسی آنجا که مرادمان آیین اسلام است اسلامیت به کار ببریم. به هرحال هیتلر و نازی‌ها محصول جهان مسیحی بودند ولی محصول مسیحیت که دین عشق و دوستی و محبت است، نبودند. جانیانی امثال صدام را نیز نمی‌توان به اسلام نسبت داد هرچند که با تأسف این اعمال در جهان اسلام رخ داده است. نگارنده معتقد است که وظیفه اصلی متفکران اسلامی این است که با تبیین و تعلیم حقایق اسلام که از ضمانت اجرایی ایمانی برخوردار است از انجام عملیاتی غیراسلامی و غیرانسانی از جمله تخریب منابع طبیعی و ذخایر زیستی در فرض وقوع درگیری مسلحانه توسط مردم با ایمان جلوگیری کنند.

ما در امر تقنین به این زودی‌ها نیازمند عبور از عناوین اولیه و تمسک به اصولی همچون ضرورت و مصلحت نیستیم؛ چرا که حقوق اسلامی ظرفیت و توان تأمین خواست‌های نسل متوالی همراه با تغییر اوضاع و احوال و شرایط زمان را دارد. آنچه لازم و ضروری است وجود متفکرین آگاه بر سیستم‌های حقوقی عصر حاضر است که در این فرض در همان چارچوب‌های سنتی و مشخص به یقین از منابع حقوق اسلامی استنباطی دیگر خواهند داشت.

شاهد این مدعا تحول و تکامل تدریجی در استنباطات فقهای عظام در قرون متمادی از قواعدی نظیر لاضرر، ضمانات قهریه، اتلاف و تسبیب، عدل و انصاف و غیره است. چه کسی می‌تواند انکار کند که تحولی که در فقه شیعه توسط شیخ طوسی در قرن پنجم و علامه حلی در قرن هفتم ایجاد شده، معلول آشنایی این بزرگواران به نظام‌های حقوقی عصر خویش بوده است.

ناگفته نماند که تقنین در امر محیط‌زیست تنها به قانونگذاری ملی بسنده نمی‌شود و همکاری جدی جملگی کشورها در آن ضرورتی غیرقابل انکار است. این اهمیت بدان جهت است که امکان تحدید حوزه تأثیر تخریبیات یا حفاظت‌های محیطی در محدوده‌ای جغرافیایی وجود ندارد و به همین سبب فراهم آوردن امکان تفاهم و همکاری‌های بین‌المللی ضرورت دارد. نمونه بارز این مورد را می‌توان در مخالفت آمریکا با پیمان کیوتو مشاهده کرد که نه تنها اجرای پیمان را با مشکل مواجه کرده است که فراتر از آن حتی پیمان توسط دیگر کشورها نتیجه مورد انتظار را در حفاظت از محیط‌زیست در پی نداشته داشت.

واضح است که قوانین بین‌المللی نیز همانند قوانین ملی نیازمند ضمانت اجرایی است. برای نمونه می‌توان به بی‌اعتنایی کشورهای صنعتی در پایبندی به تعهداتی که در اجلاس ریو، پروتکل مونترال و کنوانسیون استکهلم پذیرفته بودند اشاره کرد که جلوه این تغییر موضع این کشورها و نبود ضمانت اجرایی تعهدات بین‌المللی را می‌توان در عدم توفیق مورد انتظار اجلاس بالی مشاهده کرد. در خاتمه یادآوری این نکته را ضروری می‌بینم که برای حفظ محیط‌زیست طبیعی باید دست به یک بسیج عمومی بزنیم و همگان را به‌نحوی در این امر مسئول‌سازیم.

آیت الله دکتر مصطفی محقق داماد